

مصاحبه با علی نجاتی از نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

(متن مصاحبه زیر از روی نوار صوتی پیاده شده)

بازچاپ از نشریه شماره 2 جنبش کارگری نشریه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

بهزاد سهرابی : ضمن تشکر از شما بخاطر شرکت در این مصاحبه قبل از هر چیز از شما تقاضا دارم برای این که خوانندگان نشریه جنبش کارگری بیشتر با شما آشنا شوند خودتان را معرفی کنید و در صورت امکان توضیح دهید که چند سال است وارد بازار کار شده اید و سابقه کار شما در شرکت نیشکر هفت تپه چند سال است :

علی نجاتی : با تشکر از شما آقای سهرابی بنده علی نجاتی هستم . متولد سال 1341 . در جواب سؤال تان باید بگویم بنده از 12-10 سالگی وارد بازار کار شدم و دلیل وارد شدن به بازار کار طبیعتاً بر می گردد به مسائل مالی خانواده . چون بنده در یک خانواده کارگری متولد و بزرگ شدم . بخاطر وضعیت مالی از همان اوایل زندگی یعنی 12-10 سالگی که زمان رشد ، کودکی و نوجوانی ما بود، مجبور شدیم به بازار کار رو بیاوریم . ابتدا در بازار کار ، بنایی کردم و کارهای مختلف دیگر انجام دادم و حتی برای مدتی در کوره پزخانه ها کار کردم تا زمانی که به خدمت سربازی رفتم . بعد هم که از خدمت سربازی برگشتم مجدداً از 22 سالگی به بازار کار روی آوردم و در شرکت نیشکر هفت تپه مشغول به کار شدم و از سال 63 همچنان دارم کار می کنم .

بهزاد سهرابی : در رابطه با اعتراضات و اعتصابات که در شرکت نیشکر هفت تپه صورت گرفته سؤال مشخص اینه که دلیل این اعتراضات و اعتصابات در شرکت نیشکر هفت تپه چه چیزهایی بوده و خواستهای شما از اولین روزی که این اعتراضات را شروع کردید تا به امروز بر چه اساسی بوده و خواستهای مشخص تان را اگر می شود برای خوانندگان ما توضیح دهید .

علی نجاتی : همانطور که اطلاع دارید اعتراضات ما مشخصاً مانند تمام اعتراضات کارگران در سطح کشور و در سطح بین المللی در رابطه با وضعیت معیشتی کارگران هست . کارگران هفت تپه طبیعتاً نیز از این مسئله مستثنی نیستند . کارگران هفت تپه وضعیت معیشتی بسیار اسفناکی دارند . در گرمای حدود 50 – 45 درجه ای که در خوزستان است و سرمای شدیدی که زمستان های آن دارد و واقعاً سرمایه به استخوان می زند باید کار کنند . با دستمزد و مزایای بسیار پایین . همانطور که گفتم کارگران نیشکر هفت تپه از نظر وضعیت دستمزد و معیشت بسیار در مضیقه هستند و بخاطر همین مسائل اعتراضاتی کردند . حدوداً از خرداد ماه سال 86 بیشتر اعتراضات در رابطه با عدم پرداخت به موقع دستمزدها بود . می دانیم که امروزه تورم موجود در جامعه در سطحی است که دستمزد کارگر جوابگوی خواسته ها و مطالبات معیشتی آنان و خانواده های شان نیست . علاوه بر این طی سال های اخیر نه تنها بر میزان دستمزدها ی مان اضافه نشده و وضعیت معیشتی ما بهتر نشد ، بلکه بدتر هم شده است . دلایل هم این است که همان حقوق ناچیز هم به موقع پرداخت نمی شد . قبلاً که حقوق خودمان را به موقع (سر ماه) می گرفتیم مسئله مالی داشتیم . حالا که سه - چهار ماه می گذرد و دستمزد کارگران پرداخت نشده است وضع کارگران بسیار بد تر شده است و اعتراضات در حقیقت بخاطر این مسائل است . یکی بخاطر وضعیت دستمزد که واقعاً پایین

بود و دیگر اینکه به جهت عدم پرداخت به موقع دستمزدها . البته خواستهای دیگری هم داریم، از جمله طرح طبقه بندی مشاغل و وضعیت ایاب و ذهاب کارگران و رسمی شدن آنان و همچنین تعدیل نیرو به این صورت که کارگرانی ما داریم که جدا از نظر کاری و از نظر فنی در مسائل کاری خودشان در حد استاندند . اما مسئولین کارخانه دارند این نیروها را که در بخش های مختلف کارخانه کار می کنند به بهانه ی تعدیل نیرو بازنشسته یا بازخریدی کنند . که متاسفانه ما از این بابت ضربه شدیدی خوردیم . یعنی کلاً نیشکر هفت تپه ضربه شدیدی خورد . علتش همین است که چون تجربیاتی که این کارگران داشتند در رابطه با کار خودشان فوق العاده بود و بعد از تعدیل این نیروها و رفتن آن ها متاسفانه شرکت از نظر نیروهای کارآمد لطمات شدیدی دید . این مسائل هم بارها و بارها در رسانه ها و مجلات مختلف صحبت شده ، ولی متاسفانه تاکنون هیچ جوابی از طرف مسئولین در رابطه با حل مشکل کارگران داده نشده است .

بهزاد سهرابی : آقای نجاتی ، شما فرمودید که دور دوم اعتراضات شما از فروردین 87 صورت گرفت . قبل از آنهم اعتراضاتی داشتید . لطفاً بفرمایید از چه زمانی شروع شد و چه اقداماتی در دستور کار شما بود ؟ کجا اعتصاب میکردید ؟ و تا آنجایی که ما شنیدیم در سطح شهر شوش ، جلوی فرمانداری شما اعتراض میکردید . راجع به این هم اگر توضیح بدهید ، خیلی ممنون میشوم .

علی نجاتی : همانطور که اطلاع دارید ، اعتراضات ما از مهر ماه سال 86 بطور جدی و علنی صورت گرفت و از همان موقع (مهر سال 86) ، اعتصابات ما مقطعی بود و مثلاً در دوماه یا سه ماهی ، یک هفته یا سه و یا چهار روزی اعتصاب داشتیم . همینطور مقطعی بود تا زمانی که به اسفند ماه رسیدیم که عیدی و پاداش کارگران را پرداخت نکردند . ما هم مجبور شدیم بخاطر فشار مالی که به ما وارد می شد ، صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین منطقه به عنوان مثال فرماندار شهرستان شوش برسانیم . کارگران مجبور شدند به حالت اعتراض بطرف فرمانداری شهرستان شوش بروند و چند روزی را هم آنجا تجمع کردیم ، اعتراض کردیم و شعارهایی هم کارگران دادند که از جمله آن ها شعارهایی مثل : " معیشت زندگی حق مسلم ماست " و " کارگر هفت تپه ایم ، گرسنه ایم گرسنه " بود . اعتراضات ما چند روزی ، جلوی فرمانداری شوش انجام گرفت تا اینکه مسئولین قول مساعد دادند که وضعیت نیشکر هفت تپه را از این حالتی که هست بیرون بیاورند که تا الان که تیر ماه 87 است هنوز هیچ اقدامی در رابطه با رفع مشکلات کلی نیشکر هفت تپه ، از جمله وضعیت دستمزد کارگران انجام نگرفته است .

بهزاد سهرابی : حرکت های اعتراضی ابتدا در کارخانه انجام می گرفت ، و سپس وقتی که شما برای بیان اعتراض خود به داخل شهر شوش و مشخصاً جلوی فرمانداری رفتید ، آیا از طرف نیروهای امنیتی با شما برخوردی شد ؟ یا هیچ گونه برخوردی در رابطه با اعتراض شما صورت نگرفت ؟

علی نجاتی : بعد از اینکه اعتراضات جدید ما شروع شد (از 16 اردیبهشت امسال) بطور خیلی جدی این اعتراضات دامنگیر شد بطوری که به شهرستان شوش آمدیم و حدود یک هفته در مرکز شهر و قسمتهای مختلف آن کارگران اقدام به راهپیمایی کردند و شعارهایی از جمله " مرگ بر ساعدی " می دادند . ساعدی نماینده شهرستان شوش در مجلس است که الان تا آنجایی که ما اطلاع داریم ، وی رئیس کمیسیون کشاورزی است و یک پستی هم در حکومت دارد . این آقا حداقل می تواند مشکلات فعلی کارگران نیشکر هفت تپه را تا حدودی تقلیل بدهد که متاسفانه از طرف ایشان هیچگونه صحبتی و یا اقدامی در رابطه با رفع مشکلات نیشکر هفت تپه صورت نگرفته است . در همین رابطه کارگران از 16 اردیبهشت تا 3-4 تیر اعتصاب داشتند . در 50 روز گذشته کارگران بارها به سطح شهر آمدند و راهپیمایی کردند . جاده بین المللی اهواز - اندیمشک را بستند . بارها سه راهی خوانساری را که منتهی به

کارخانه می شود بستند و بارها و بارها هم نیروی انتظامی با آنها درگیر شد. کارگری که به دنبال حق و حقوق از دست رفته خودش بود. یعنی این که کارش را انجام می داد ولی حقش را بهش نمی دادند. حقش باتوم و چه می دانم گاز اشک آور و این چیزها بود. ضرب و شتم بود. سرکوب نیروی انتظامی بود و مسائلی از این قبیل. اما کارگران هیچ زمانی از نیروی انتظامی و یا نیروهای لباس شخصی واهمه ای نداشتند. به این دلیل که دنبال حق و حقوق شان بودند و این حق هم چیزی نیست که انسان بتواند ازش بگذرد. حق چیزی است که باید بگیریش و کارگران هیچ زمانی از نیروی انتظامی ترس و واهمه ای نداشتند. با اینکه سرکوب شدند و حتی بچه هایشان هم زخمی شدند. دست کارگران شکست، سرشان شکست، زندانی شدند، دادگاهی شدند ولی هیچ زمانی از حق و حقوقشان عقب نشینی نکردند. و این قول را من به شما می دهم که تا زمانی که کارگران نیشکر هفت تپه به حق و حقوق خودشان نرسند، دست از مبارزه بر نمی دارند و دنبال حقشان هستند.

بهزاد سهرابی: همانطور که اطلاع دارید جنبش کارگری چه در سطح وسیعش در دنیا، و چه در سطح ایران یک تجارب خاصی را تا به امروز داشته. تجربه ی دیگری که به این برگ زرین جنبش کارگری اضافه شده است حرکت 50 روزه ی شما کارگران است، که تا به امروز ادامه داشته و از نظر شکل و وسعت توی جنبش کارگری ایران تاثیر گذار بوده است.

خواهش میکنم مقداری در مورد این اعتصاب 50 روزه و این تجربه ی با ارزش کارگری، توضیحاتی بدهید.

علی نجاتی: من به عنوان یکی از کارگران نیشکر هفت تپه، جدا از تشکل های کارگری، از سندیکاها، از همه ی فعالین و کسانی که از کارگران در سطح کلان در ایران و در سطح جهانی حمایت می کنند و کلاً از جنبش کارگری تشکر می کنم. یکی از چیزهایی که باعث شد ما بتوانیم روند صعودی در رابطه با اعتراضات مان و احقاق حقوق مان داشته باشیم و به اعتصابات و اعتراضات خودمان ادامه بدهیم، همین تجربیات دوستان است که به هر حال با صحبت هایی که با این دوستان شد و از تجربیات آن ها استفاده شد حقیقتاً تا به الان به نتیجه خوبی رسیدیم. حداقل به این نتیجه رسیدیم که کارگر امروزه باید تشکل آزاد و مستقلی از خودش داشته باشد که بتواند از مطالبات و حقوق انسانی کارگران دفاع نماید. ما طی چند سالی که تشکلی به اسم شورای اسلامی کار داشتیم، هیچگونه اقدامی در رابطه با بهبود وضعیت معیشتی کارگران یا وضعیت ایمنی و بهداشتی آنان که بایستی نماینده به اصطلاح کارگران در شورای کار انجام میداد، صورت نگرفت و ما کارگران نیشکر هفت تپه الان به این نتیجه رسیدیم که باید کارگر نماینده واقعی خودش را داشته باشد و نماینده واقعی کارگر کسی نیست، جز این که کارگر خودش انتخاب کند. یعنی کارگر نماینده خودش را مستقیماً انتخاب بکند و این هم در تشکلی به اسم شورا به هیچ عنوان نمی گنجد. دلیلش هم بسیار روشن است. تشکلی به اسم شورای اسلامی کارگران و نمایندگان آن باید از چند فیلتر مانند مدیریت شرکت، حراست، اداره کار و بسیاری فیلتر های دیگر عبور کنند تا تایید شوند. معلوم است نمایندگانی که به این شکل انتخاب شوند به هیچ وجه نمی توانند به عنوان نماینده ی کارگران از حق و حقوق آنان دفاع نمایند. بنا بر این کارگر به این نتیجه رسیده که امروز تشکلی به اسم تشکل آزاد سندیکایی داشته باشیم. لذا کارگران این شرکت که در یک منطقه بسیار محرومی از خوزستان قرار دارد، به این نتیجه رسیدند که تلاش کنند تا نمایندگان واقعی و منتخب کارگران انتخاب شوند و سندیکای آزاد و مستقل کارگران تشکیل شود تا بتوانند از حق و حقوق کارگر در رابطه با کارفرما یا مدیریت شرکت و همچنین در مقابله با مقامات شهرستان یا استان دفاع کنند و ارتباط گسترده تری با دیگر تشکل های کارگری در سطح کشور و همچنین در سطح جهانی برقرار کنند. چون مسئله کارگری مسئله یک شخص یا یک شهر یا یک کشور نیست. مسئله کارگری مسئله کلی است. یعنی مسئله جهانی است و ما طبقه کارگر

بایستی با هم متحد و متشکل بشویم و در راستای اهداف کارگری خودمان فعالیت نماییم . من خوشحالم که کارگران نیشکر هفت تپه امروز به این نتیجه رسیدند که در سطح کلی با کارگران دنیا ارتباط برقرار کنند .

بهزاد سهرابی : خیلی ممنون . در خلال صحبت‌هایی که داشتید، اشاره کردید به شورای کار و شوراهای کارگری ! در اینجا یک ابهامی دیده می شود . منظورتان از شورای کار یا شوراهای کارگری چیست ؟ منظور شما همان شورای اسلامی کار است ؟

علی نجاتی : بله . منظور من از شورا یا شورا های کارگری همان شورای اسلامی کار است که در قانون کار به آن اشاره شده است . البته اگر شورای کار ، شورای واقعی کارگران باشد ، بسیار خوب است . یعنی نماینده ی واقعی کارگر باشد . نه اینکه تحت نظر مدیریت باشد و یا از جایی خط بگیرد یا نماینده ی جایی دیگر باشد . ما از این بابت به تشکل های کارگری نگاه می کنیم که واقعا" نماینده کارگران باشند و مسائل کارگران را بیان نمایند.حالا اسم آن چه شورای کارگری باشد و چه سندیکا . با توجه به تجربه ی 25 ساله ای که به عنوان یک استاد کار قند ساز در شرکت نیشکر هفت تپه دارم ، تاکنون نماینده ای ندیدم که از حق و حقوق ضایع شده کارگران در شرکت دفاع کند .

بهزاد سهرابی : مشخص است که بر اساس قانون کار یک سری فیلترهای گزینشی وجود دارد برای کسانی که به عنوان نماینده شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی کارگران یا نماینده کارگری انتخاب می شوند. سه نوع تشکلی که در قانون کار به آن اشاره شده ، باید از طریق کارفرما. نیروهای امنیتی و پلیسی و خود وزارت کار تایید بشوند و طبیعتا" کسانی که از این کانال ها عبور می کنند و تایید صلاحیت می شوند ، دیگر نمی توانند نماینده کارگران باشند و به نفع کارگران کاری انجام دهند. آن ها در واقع نماینده ی کارفرمایان یا دولت ها هستند و نه نماینده ی کارگران . بحث هایی که حد اقل در سه سال گذشته در جنبش کارگری جریان داشته پا فشاری های زیادی روی این موضوع داشتند که تشکل های کارگری باید آزاد و مستقل باشند و به نیروی خود کارگران ایجاد شوند . بدون وابستگی به دولت یا کارفرمایان . چرا که فقط نیروی خود کارگران و نمایندگان واقعی آنان می توانند در راستای مطالبات کارگران حرکت نمایند و منافع آنان را مد نظر داشته باشند . شما در خلال صحبت های تان اشاره به سندیکا کردید . سؤال مشخص من این است که چه ضرورتی وجود داشت که به این نتیجه رسیدید تا تشکل سندیکایی کارگران نیشکر هفت تپه را بازسازی کنید و برای تشکیل مجدد آن تلاش نمایید ؟ در ادامه اگر برایتان ممکن است اعضای این هیئت را معرفی نمایید و بگویید که این اعضاء و فعالین چگونه و به چه شکلی دوباره به عنوان نماینده تعیین می شوند ؟ همچنین بفرمایید که آیا این تشکل می تواند شما را آگاهانه تر ، سازمان یافته تر و قوی تر ، به مقابله با کارفرما یا مدیریت شرکت و یا عواملی که به انحاء مختلف در مقابل شما سد و مانع ایجاد می کنند بکشاند و در برابر آنان نقش ایفا کند ؟ آیا این تشکل میتواند آن اندازه توانمند باشد که شما را به خواسته هایتان برساند ؟

علی نجاتی : بله . همانطور که در خلال صحبتها اشاره شد ما در کوران مبارزه و دفاع از خواست ها و منافع خودمان به این نتیجه رسیدیم که بایستی تشکل داشته باشیم و آن را هر چه سریعتر ایجاد کنیم . ما در جریان فعالیت های مان به ضرورت سندیکا یا همان تشکل سندیکایی که کارگر نماینده واقعی خودش را در این تشکل داشته باشد رسیدیم . در ارتباط با تشکل ما توانستیم صحبت‌هایی با دوستان و کارگران در این رابطه داشته باشیم . ما به این نتیجه رسیدیم که هر کارگری که می خواهد عضو این تشکل بشود می تواند بیاید و آزادانه عضو بشوند . هیچگونه مانعی هم برای این کار وجود ندارد. تنها شاید برخوردهای امنیتی و پلیسی در این رابطه بشود که طبیعتا" هم می شود. ولی ما کار خودمان را می کنیم . همان طور که گفتیم ما به این نتیجه رسیدیم که کارگر باید تشکل خودش را داشته باشد . لذا با همان اعضایی که در هیئت بازگشایی هستند و در تمام این دوره برای کارگران فعالیت کرده اند

اعضای هیئت موسس یا هیأت بازگشایی . چون قبلاً "نیشکر هفت تپه سندیکا" داشته است . سال 52 تاسیس شد. الان دوستانی که در هیئت بازگشایی هستند ، همان دوستانی هستند که در حین اعتصابات کارگری فعالیت های زیادی داشتند . از جمله فعالیتها این بود که مرتباً" امر ارتباط دادن کارگران با هم ، انسجام راهپیمایی ها و اعتصابات و اعتراضات بود . ارتباط با مسئولین منطقه . تعدادی از کارگران که الان به عنوان هیئت بازگشایی سندیکا معرفی شدند حتی 80 – 70 درصد کارگران نیز آنان را تایید می کنند . دوستان ما در همین فعالین کارگری که اگر لازم بدونید اسامی آنها را هم برای شما بگویم .

بهزاد سهرابی : اسامی چه کسانی ؟

علی نجاتی : اسامی فعالین کارگری را و یا همین اعضای سندیکا را !

بهزاد سهرابی : بله .

علی نجاتی : اعضای سندیکا یا هیئت بازگشایی . البته این اسامی در آینده بنا به موقعیت زمانی به احتمال زیاد تغییراتی هم خواهد کرد. افرادی اضافه یا کم میشوند. ولی در حال حاضر این افراد به عنوان هیئت بازگشایی هستند . آقایان : محمد حیدری مهر ، رمضان علی پور . فریدون نیکوفرد ، علی شریفی ، رحیم بسحاق ، جلیل احمدی ، نجات دهلی ، و خودم (علی نجاتی) . اینها دوستان هیئت بازگشایی هستند . این دوستان از فعالین کارگری هم هستند . البته دوستان دیگری هم هستند مانند : آقای رضا رخشان و . . . الان حقیقتاً اسامی شان تو ذهنم نیست . دوستانی هستند که در رابطه با نمایندگی سندیکا کاندید شدند.

بهزاد سهرابی : من یک سوال دیگر به ذهنم آمد. قبل از اینکه شما وارد بازگشایی سندیکای نیشکر هفت تپه شوید ، تا آنجایی که اطلاع دارم ، یک سری امضاء جمع کردید تا از کانال وزارت کار بروید یک تشکیلی که خودشان مد نظر داشتند، ایجاد کنید . این کار به کجا رسید ؟ آیا وزارت کار با این تقاضای شما به اصطلاح هماهنگ شد ؟ جواب رد داد یا نه ؟ این را اگر میشود ، توضیح بدهید .

علی نجاتی : ما این امضاهایی که شما می گوید در ماههای بهمن و اسفند سال 86 از کارگران گرفتیم . حدود دو هزار امضاء در رابطه با همین تشکل سندیکایی که وقتی به استان مراجعه کردیم ، اداره کار شدیداً با اسم سندیکا مخالفت کرد . گفتیم خوب ، حالا اگر میدانید از نظر قانونی مشکل است ، مسئله ای نیست . ما یک تشکل صنفی انجام میدهم . که باز با این تشکل صنفی هم مخالفت کردند و بارها از طریق اطلاعات و از طریق اداره کار صحبت شد که به هیچ عنوان کارگر نیشکر هفت تپه ، تشکل صنفی حتی طبق قانون 131 جمهوری اسلامی که در قانون کار آمده نمی تواند تشکیل بدهد . با این هم موافقت نکردند هم اداره کار و هم بقیه مسئولین . ما طبیعتاً خیلی فشار آوردیم حدود یک سال 9 ماه ما فشار آوردیم به کارگر یا اینکه بایستی تشکل صنفی آزادی داشته باشد یا شورا نمی خواهد !

بهزاد سهرابی : منظور شورای اسلامی کار است ؟

علی نجاتی : شورای اسلامی کار . بله ، کارگر به هیچ عنوان موافقت نداشت . صحبتی شد مبنی بر اینکه تشکل صنفی داشته باشیم . در درجه اول تشکل سندیکایی . ولی دیدیم مخالفت می شود . بخاطر اینکه ما اهدافی داریم که می خواهیم به آنها برسیم . در نتیجه یک مقدار عقب نشینی می کنیم . بخاطر اینکه به هر حال قدرت در دست مسئولین است و ما باید کنار بیاییم . چون قدرت اجرایی نداریم . ما قدرتی که داریم ، پشتوانه ما پشتوانه کارگری است . و از

این نظر گفتیم بخاطر اینکه به اهدافی که داریم برسیم . که همان حق و حقوق ضایع شده مان . اشکال ندارد از این حق گذشتیم . حق قانونی خودمان یعنی سندیکای کارگری ولی متاسفانه با اینکه گفتیم دو هزار امضاء از طرف کارگران در رابطه با تشکل سندیکا جمع کردیم ولی آنها موافقت نکردند . ما گفتیم تشکل صنفی می خواهیم با تشکل صنفی ما هم موافقت نکردند . و ما به این نتیجه رسیدیم که امروز دیگر نمی شود با این مسئله کنار آمد و امروز حرف اول و آخر را باید کسی بزند که سرنوشتش وابسته به آن است و او کارگر است . کارگر هم سندیکای کارگری می خواهد . بخاطر احقاق حقش و نه چیزی کمتر و نه چیزی بیشتر .

بهزاد سهرابی : یعنی بر این باورید که به هر حال این تشکل حالا عنوانش هر چه باشد . سندیکا و یا هر شکل دیگر . فقط تنها چیزی که مد نظر شما بود در این روندی که خود کارگرها نماینده های خودشان را داشته باشند . استقلال طبقاتی خودشان را حفظ کنند و نهایتاً در راستای مطالبات خود کارگرها حرکت کنند . این بحث شما بود که متاسفانه همانطور که خودتان توضیح دادید ، وزارت کار و قانون کار در این راستا چون با این مسئله و مطالبات کارگری منافات دارد به این نتیجه رسیدی که خودتان بیاید سندیکای خودتان را با نیروی خود کارگرها ایجاد کنید . من یک سوالی که برایم پیش آمد . این است که این وحدت و هماهنگی بین شما که به هر حال از روزهای اول نانوخته بود ولی امروز دوباره ما خوشبختانه می بینیم . شما به عنوان یکی از نماینده های کارگری . فعلاً" بین کارگران نیشکر هفت تپه شناخته شده هستی ! رابطه شما به عنوان یکی از نماینده های کارگران نیشکر هفت تپه با خود کارگران چگونه است ؟ چه مقدار بحث ها و نظرات شما در رابطه با مطالبات کارگری مورد اعتماد کارگران هست ؟

علی نجاتی : ما الان بطور مطلق نمی توانیم بگیم ، کارگران ما را به عنوان نماینده خودشان قبول دارند . ولی در سطح کلی و کلانش که صحبت کنیم . حدود 60 درصد یا 70 درصد حالا یک مقدار کمتر و یا بیشتر . کارگران بر اساس صحبتهایی که شده طبق عملکردهای ما و عکس العملهایی که به عنوان جواب از طرف کارگران گرفتیم . استقبالی که در فراخوان اعتصابات از طرف کارگران شد و همچنین در نشست های مشترکی که با هم داشتیم ، همه بعنوان یک مدرک بسیار قوی به جهت حمایت نسبی کارگران از ماست . به عنوان مثال صحبتی که در رابطه با سندیکا از طرف ما با کارگران شد ، ما در یک روز با اینکه مشکلات زیادی داشتیم ، حدود 400 – 500 عدد امضاء همراه با شماره پرسنلی کارگران را گرفتیم و این از این نظر و با این مدرک ، ما می توانیم بگوییم که حداقل نماینده بیش از 60 درصد یا 70 درصد کارگران هستیم که اکثریت نسبی کارگران است . و ما از این بابت جدا خوشحال هستیم . حالا ممکن است تعدادی هم ما را قبول نداشته باشند . چون همیشه در بین افراد مخالفتهایی هست . طبیعی ! ببینید ما الان 5 – 4 هزار کارگریم . بعضی ها هستند که واقعا" در این مسائل منافعی دارند یا اینکه مشکلات خاص خودشان را دارند . نمی توانند مثلاً" مستقیماً" با ما همراه باشند و یا در کنار ما باشند . حالا هرکس به یک نوعی مشکل خودش را دارد . این را به یقین میگویم که صحبت سر خودستایی نیست و از خود تعریف کردن نیست چون ما تو این مسئله هیچگونه سود شخصی نداریم که بگیم به خاطر منافع شخصی که داریم ، در این راستا حرکت می کنیم . دلیلش هم بسیار واضح البته گفتن این صحبتها جدا لازم نیست ولی خوب انسان باید صحبتها را بگوید . ما مثلاً دادگاهی شدیم- زندانی شدیم- بازداشت شدیم- بارها به اطلاعات رفتیم- بارها تحقیر شدیم البته تحقیر از نوع حکومتی نه تحقیر از نوع سیستم کارگری یا وضعیت کارگری که خودمان در اون داریم زندگی می کنیم و یا جامعه ای که در اون زندگی می کنیم .

با این حال چون حق و حقوق قانونی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه است . من بر اساس مدارکی که شاهد هستید ، امضاهایی که گرفتیم از کارگرها طبق اینها دارم صحبت می کنم . کارگران از ما حمایت کردند و ما را به عنوان

نماینده خودشان قبول دارند . اکثریت کارگرا حالا اون تعداد اقلیت رو من میگم مشکلات خاص خودشان را دارند. اون مسئله اش جداست من به این دلیل میگم کارگرا مارو به عنوان نماینده خودشان تا به الان قبول دارند و امیدوارم به عنوان نماینده واقعا رسمی کارگران و به عنوان کارگر نیشکر هفت تپه ، به عنوان یک فعال کارگری در راستای اهداف کارگری موفق باشیم و حقوق از دست رفته کارگران را در کوتاه مدت به همراه دوستانی که اسامی آنان را ذکر کردم و با پشتوانه کارگری ، باز پس بگیریم .

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- آقای نجاتی چیزی که برای ما خیلی مشخص و جالب بود به هر حال هر حرکت کارگری یک نوع تجربه و یک نوع پختگی با خودش همراه دارد و طبیعتاً باید در سطح جنبش این نوع مسائل مطرح شود که اگر کارگرانی در دیگر مراکز کارگری خواستند ، تشکلهای خودشان را ایجاد کنند از این تجارب حتما استفاده کنند .

چیزی که برای من جالب بود به هر حال حتی در میان دوستانی که در خوزستان زندگی کردند، اینه که می دونند واقعا هوای خوزستان گرمای عجیب و غریبی داره که برای هر کسی قابل تحمل نیست . این که شما 4000 نفر یا 5000 نفر کارگر را در یک جایی جمع کنید و نه محل و ساختمانی اینجا دارید و نه کسی این اجازه رو میده و حتی گفتم با توجه به شرایط بدآب و هوا جمع شدن در یک جایی براتون امکان پذیر نیست در این رابطه جمع کردن امضاء با شماره کارت و اثر انگشت از کارگران برای ما جالب بود ، چون شما می خواهید نماینده های واقعی از طرف خود کارگرا تعیین بشوند به این روش دست زدید ممنون خواهم شد در این رابطه توضیح دهید.

علی نجاتی : توضیح دادم . گفتیم که ما با این که این همه مشکلات داشتیم هم از نظر مکانی که کارگران رو جمع بکنیم و هم از نظر آب و هوایی ما طی این مدت یک سالی که بین این اعتراضات و اعتراضات کارگری ما بود ارتباطاتی که با کارگران داشتیم از نظر اخلاقی و رفتاری برخوردهای کارگران را می دیدیم و از تجربیات آنها استفاده می کردیم در راستای تحقق یافتن اهداف کارگری ما- ما تجربیاتمان را از دوستان کارگرمون کسب کردیم و امروز به این نتیجه رسیدیم که واقعا اگر در بین فعالین کارگری یا اتحادیه کارگری یا اصلاً کلا در بین سطح کلی کارگری صداقت باشد به نظر من انسان به راحتی می تواند به آن اهدافی که واقعا انسانی ست می رسد- به نظر من صداقتی که کارگران و فعالین کارگری نیشکر هفت تپه در راستای اهداف کارگری خودشان و در رابطه با انتقال صحبتهایی که با دوستان داشتند بود که به این نتیجه رسیدیم و امروز تجربه ای شده که واقعا بسیار گرانبهاست و ما امروز به قول دوستان الگویی شدیم برای بقیه فعالین کارگری و اتحادیه کارگری . من جداً راضی نیستیم که به ما بگن الگو چون ما خیلی کوچکتر از آن هستیم . ما یک کارگر هستیم ولی کارگری شریف و زحمتکش که هیچ زمانی در مقابل استبداد و استثمار و استعمار به هیچ عنوان سرش را خم نکرده . سرکوب شده ، تنبیه شده و به اقسام مختلف حق و حقوقش ضایع شده ولی هیچ زمانی از حق خودش کوتاه نیامده است . ما به این نتیجه رسیدیم که در مقابل ظلم و ستم باید کارگر مبارزه بکند و به حق خودش برسد.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- واقعا این بحث هایی که شما اشاره کردید خودستایی نبود که به هر حال هر کسی که مسائل کارگری را تعقیب می کند بخصوص حرکت های اخیر نیشکر هفت تپه عملکرد این حرکت را دیده و تأثیر گذاری حرکتی که شما به عنوان بخشی از خود کارگر نیشکر هفت تپه در این یکسال و اندی که شما این تلاشهای شبانه روزی را انجام دادید قابل ستایش است و طبیعتاً این برمی گردد به همون صداقت و همون به اصطلاح آگاهی و همون نیاز طبقاتی خود کارگران که اینچنین فعالیتی رو از دل مبارزات خودشون حتماً بوجود خواهند آورد و تا حد زیادی در بین کارگران نیشکر هفت تپه بوجود آورده . و اون چیزی که شما به درستی اشاره کردید یک فعال کارگری

یک پیشروی کارگری صداقت و متانتش را از طبقه اش میگیره ما خوشبختانه در جنبش کارگری کمتر شاهد بودیم که فعالین کارگری آدمهایی باشن که بخواهند به طبقه خودشان خیانت کنند . من جمله شما دوستان که با اون صداقت خودتون دارین کار ها رو انجام میدین- منجمله آقای محمود صالحی با اون وضعیت جسمانی خودش در اون شرایط سختی که در زندان بود از مطالبات و حقوق کارگران به عنوان یک کارگر دفاع کرده است . من یه سؤال دیگه در این رابطه خدمتتون دارم که اون پیوندی که شما عنوان کردید با خود کارگرها که ما هم شاهدش بودیم وجود دارد. حال رابطه بین نماینده های کارگری و یا اون قسمت از فعالین کارگری که در این راستا که خودتان دارید حرکتی نیشکر هفت تپه رو سازماندهی می کنید چگونه است ؟ ارتباط خودتون یعنی نماینده ها با همدیگر چطوری و چطوری با هم هماهنگ می شدید و این هماهنگی از نظر خودتون تا به امروز راضی کننده بوده است ؟ یا اگه مشکلی هست چطوری میشه این مشکل را رفع و رجوع کرد؟

علی نجاتی : ما خوشبختانه الان با اینکه مدت زیادی نیست که با هم در ارتباط با همین تشکل سندیکای مان و فعالیتی که در راستای مسائل کارگری داریم بین دوستان و فعالین کارگری در یک چهار چوب داریم کار می کنیم ولی خوشبختانه ارتباطمان بسیار خوبه با این که از نظر موقعیتی مشکلات خاص خودمان را داریم ولی ارتباطاتمان خیلی خوبه و دلیلش همینه که گفتیم چون که ما اعتماد داریم به کاری که داریم انجام میدیم و در راستای اهدافمان داریم کار خطیری انجام میدیم این باعث شده ما بیشتر با هم ارتباط داشته باشیم و تشکل ما تشکل بسیار مستحکمی هست با اینکه مدت زمان بسیار کوتاهی هست که حدود یک سال شاید هم کمتر باشد که ما این را داریم ولی خوشبختانه به این نتیجه رسیدیم که ارتباط ما ر بسیار منسجم و قابل تقدیره از این نظر که خیلی صحبتها بین ما در رابطه با مسائل کاری رد و بدل میشود. اما همانطور که گفتیم، از نظر مشکلات امنیتی و هم مشکلات خاص خودمان در رابطه با زندگی خصوصی که داریم ولی با این حال که این همه مشکلات داریم ، خوشبختانه ارتباطاتمان خوب و راضی کننده است .

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- با توجه به سیاست گزارای حکومت در ایران همانطور که اطلاع داری یک سری از واحدهای تولیدی منجمله خود نیشکر هفت تپه به اون سمت و سو میره که تعدیل نیرو کند و یا این واحدها را به تعطیلی بکشاند . می خواهم نظر شما و کارگران نیشکر هفت تپه را در این رابطه بپرسم و تقاضای شما از دیگر واحدهایی که مثل شما هستند و می خواهند به شکلهای مختلفی این کارخانه ها به تعطیلی کشونده بشه چیه ؟ در این رابطه چه تقاضایی از دیگر واحدهای کارگری و مشخصاً از کلیه کارگرهای ایران داری ؟

علی نجاتی: همانطور که ما تو صحبتهای قبلیمون گفتیم ، این تعدیل نیرو یه برنامه بسیار مشخص و تعیین شده از قبل است . برای ما بسیار واضحه که این مشکل نیشکر هفت تپه مربوط می شود به مافیای شکر که کسانی هستند که در دولت دست در این مسئله دارن و این مافیای شکر باعث شده که کار نیشکر هفت تپه امروز به صورتی دربیاد که یک شرکتی که تا چند سال اخیر بیش از 100 هزار تن شکر تولید میکرد و 70 شرکت جانبی یعنی طراحی امیرکبیر که بودجه راه اندازی آنها از نیشکر هفت تپه بود، امروز متأسفانه با سیاستهای غلطی که دولت در پیش گرفته در رابطه با صادرات و واردات شکر، نیشکر هفت تپه امروز می تونم به جرات بگویم که بصورت یک شرکت ورشکسته درآمده و الان طوری هست که بخاطر وضعیت مالی که دارد، نیروها را تعدیل می کند با این که نیاز به نیرو دارد . الان نیشکر هفت تپه به یه شرکت ورشکسته ای تبدیل شده که به صورتی که 5 ماه حقوق کارگراش را پرداخت نکرده . اما به عنوان یک کارگر برای سایر دوستان در قسمتهای مختلف نیشکر این پیام را دارم : نیشکر کارون و یا نیشکر میان آب و یا نیشکر امیرکبیر و یا همون طرحهای جانبی در آبادان و خرمشهر ، اینها خواه ناخواه

در مدت زمان بسیار کوتاهی با این مشکلات و معضلات که نیشکر هفت تپه دارد، مواجه می‌شوند من به عنوان یک کارگر استدعا دارم از کارگران نیشکر در سطح ملی و کلاً کارگرانی که در سطح ایران هستند استدعا دارم که به هر طریق ممکن حمایت‌های خودشان را از کارگران نیشکر هفت تپه - همینطور که تا امروز نهم تیرماه هست، ما رو خیلی مورد لطف و محبت خودتون قرار دادند و جداً ما رو شرمند کردند دوستان و فعالین کارگری، اتحادیه کارگری، سندیکاها و شرکتهای مختلف حالا گذشته از شرکتهای نیشکر، شرکتهایی مثل شرکت واحد یا کیان تابر، یا شرکتهایی که الان حقیقتاً حضور ذهن ندارم شرمند ام که اسامی آنها را الان نمی‌توانم بگویم. همینطور که تا الان از ما حمایت کردند امیدوارم که از حمایت‌های خودشان در رابطه با مسائل کلی کارگران از کارگران نیشکر هفت تپه ادامه بدهند. به امید روزی که به این نتیجه برسیم کارگر یک اتحادیه کارگری مستقل داشته باشه و بتونه که حرف خودش را بزند. چون الان اقتصاد دنیا به دست کارگر می‌چرخه طبیعتاً اقتصاد مملکت ما که جداً از طرف مسئولین هیچ ارزشی به اون نمی‌دن و هیچ بهایی به اون نمی‌دن اقتصاد وابسته ای شدیم و کارگران به روزی درآمدن الان بیکار شدند و شرکتهای ورشکسته شدن- امیدوارم که اتحاد کارگرا هر روز از روز دیگری مستحکم تر باشد و در راستای اهدافمان بتوانیم استوار و مقاوم و منسجم حرکت کنیم تا به خواستههای قانونی خودمان برسیم- امیدوارم.

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- آقای نجاتی همانطور که اطلاع داری اولین اعتراضات کارگری بخاطر مسائل رفاهی و اقتصادی و امنیت شغلیه که این حرکتها در مراکز کارگری انجام میگیرد. مخصوصاً اگر کارگر 5 ماه حقوق خودش را نگیره اون هم با توجه به تورمی که در ایران وجود داره. من این چند روزی که خدمت شما بودم و از کارگران نیشکر هفت تپه چیزهایی که شنیدم (دیگه به عنوان شنیده نیست به چیز واقعی و عینی). نان قرصی رو ما هیچ جا ندیدم که امروزه کارگر اینقدر توانایی مالی ندارد که میره سر کوچه نانی که شاید به چیز بی ارزشی از نظر ریالی باشد باید اسمش رو تو دفتر نا نوائی بنویسه و نون قرصی بگیره، تا به این امید که شاید 5 ماه دیگر حقوقش را گرفت بتواند مبلغش را پرداخت کند. من چیزهای دیگری هم شنیدم که کارگرهای نیشکر هفت تپه واسه این که زندگی عادی خودتون رو بتونند ادامه دهند - عادی منظورم این زندگی فلاکت زده و معمولی که واقعاً واسه ما تعریف کردند - مجبورند که وسایل خانه را بفروشند آیا این اصلاً صحت داره و یا من فقط اینها رو شنیدم- اگر هست به عنوان نمونه به چیزهایی رو اشاره کنی خیلی ممنون میشم.

علی نجاتی: بله، بله. من تشکر می‌کنم از شما که یادآوری کردید در رابطه با این مسئله صحبت بکنیم که واقعاً به مسئله اساسی امروز شده که مسئله اساسی کارگران نیشکر هفت تپه است. ما کارگران البته نه فقط کارگران نیشکر هفت تپه کلاً کارگران ایران زمانی که با این وضع تورمی که حاکم بر جامعه است که به عینه همه مردم عادی دارن می‌بینند ولی متأسفانه مسئولین حکومتی نمی‌بینند دلیلش هم بسیار واضح است که نمی‌بینند این به چیز طبیعی. من به مثال خودمونی بگم میگه "نه سوار از پیاده خبر داره نه سیر از گرسنه" این به امر بسیار طبیعی. اون آقای که نشسته رو گنج، پول نفت، نمی‌دانم پول گاز، سرمایه ملی را داره چپاول میکنه و بهترین زندگی را اداره میکنه خوب به هیچ عنوان اون مشکل نداره خیلی طبیعی بنده به عنوان یک کارگر هیچ زمانی انتظار ندارم اون آقای که بچه اش در دبی داره خانه سازی میکنه و یا در اروپا داره عیاشی خودش را میکنه من به عنوان یک کارگر به این نتیجه رسیدم که هیچ زمانی اون آقا درد منو نمی‌فهمه این یک امر بسیار طبیعی و مشخصه. اصلاً لازم نیست که انسان اینو بگه ولی گفتنش لازمه، باز میگم لازم نیست به این دلیل که به چیز مشخص ولی برای اینکه مسئولین واقعاً اگر می‌فهمیدند تا الان اقدامی میکردند نمی‌فهمند این را باید بگم که واقعاً اگر مسئولی درد جامعه اش را، درد مردمش را بفهمد خوب مشخصه می‌آید با مردمش هم درد می‌شود ما متأسفانه واقعیت‌های تلخی داریم تو جامعه مان که گفتنش جداً شاید باعث مشکل شود ولی گفتنش لازمه. در شعار مسئولین با مردم هستند با طبقه ضعیف و مستضعف.

اصلاً ما هیچ زمانی ندیدیم که مسئولی در کنار یک مستضعفی بنشیند و با اصلاً هم صحبت و همدم بشه با اون مستضعف چون اصلاً فاصله طبقاتی طوریه که خود به خود از مردم جداً میشه . سرمایه دار و یا مسئولی که داره اموال همین مردم مستضعف و یا مردمی که واقعاً چپاول شدند از همه طریق هم از نظر فرهنگی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر مالی- کلاً از نظر اخلاقی- کاری کردند به مردم که جداً مردم را به فلاکت نشانند. صحبت‌هایی هست که من حقیقتاً لازم نمی بینم اونها را بگم چون جداً شرم می کنم این صحبتها را می گویم در سطح مملکت ما چه فاجعه هایی هست چه بدبختی‌هایی هست چون مردم کاملاً آشنایی دارند با این مسائل که تو جامعه ما داره اتفاق میافته . کارگر نیشکر هفت تپه خوب طبیعتاً از این مسئله مستثنی نیست کارگر نیشکر هفت تپه مثل بقیه کارگران دیگر مملکت مان که 3 ماه 4 ماه 6 ماه 10 ماه 12 ماه حتی 24 ماه حقوق نگرفته اند. کارگر نیشکر هفت تپه هم الان درد همون رو داره . کارگری که دستمزدهاش را دریافت میکرد به علت جداً نالایق بودن مسئولین مملکتی ، در راستای تأمین مسائل اقتصادی مردم واقعاً نمی توانند چون کار آنها نیست و در راستای اهداف آنها بطور کلی نیست که این مشکلات اقتصادی مردم را رفع بکنند. کارگران نیشکر هفت تپه هم با این مشکل الان مواجه شدند اون زمانی که مرتب حقوق می گرفتند به علت تورم واقعاً مشکل داشتند الان کارگری که چهار ماه حقوق نگرفته خوب طبیعی باید فرش خودش را بفروشد . من اینو که دارم میگم اینو عینی دیدم . این داستان نیست . شاید بعضی به عنوان داستان اینو تلقی بکنند ولی جداً این حقیقت تلخیه که امروز بر جامعه ملی ما، مردمی ما و بخصوص جامعه و طبقه واقعاً محروم کارگری ما امروز حاکم شده و به حقیقت تلخیه که من متأسفانه برای مسئولینی که دم از مستضعف و نمی دانم طبقه ضعیف می زنند و خودشان را دارند گول می زنند نه اینکه مردم را دارند گول می زنند این رو من دارم میگم این صحبت‌هام رو انتقال بدین حالا هر چی هم که بخواد، بشه . من از این نظر دارم میگم که کارگران نیشکر هفت تپه چون یک مسئله ای هست که خودم تو اون دارم زندگی میکنم و خودم دارم می بینم وقتی می گم کارگران نیشکر هفت تپه یعنی کارگر در سطح جهانی دارم میگم چون واقعاً کارگر بوده تا بوده همیشه تحت ظلم و ستم و استثمار بوده، همیشه پله ای بوده برای دیگران برای سرمایه داری برای گردن کلفت ها، برای گردن کش ها، همیشه یک سکوی پرتابی بوده برای استثمار کردن در کل حالا نمی خواهم بیشترش کنم. همیشه کارگر مورد ظلم و ستم قرار گرفته . در سطح بین المللی بخصوص کارگر ایران الان در حال حاضر با این وضعیتی که پیش اومده. وضعیت اقتصادی که بسیار واقعاً وضعیت فلاکت باریه و جداً کارگر میگم واقعاً وسایل زندگیش را داره می فروشه و خیلی چیزهای دیگر که جداً جای گفتن اینها نیست من خجالت می کشم به عنوان یک کارگر این حرفها را بزنم . امیدوارم کارگران به این نتیجه برسه.

اتحادیه جنبش های کارگری به این نتیجه برسد که " کسی نخارد پشت من ، جز ناخن انگشت من" ما زمانی می توانیم به استقلال برسیم زمانی می توانیم بگیریم آقا من کارگرم حق زندگی کردن دارم حق رفاه اجتماعی دارم، حق دارم آقا در ماه و یا در سال حداقل به دفعه دست بچه ام را بگیرم و به عنوان تفریح یک روزی بچه ام را از این شهر به اون شهر ببرم نمی خواهم در سطح مثلاً بین المللی ببرم به اروپا یا جای دیگر. حداقل به عنوان یک تنوعی به عنوان یک روحیه دادن به بچه که واقعاً از ما بدتر تحت ظلم قرار گرفتند . لاقلاً به اون نتیجه برسیم به اون اهدافی که واقعاً حق قانونی و حداقل حقوق یک کارگر هست . من از طرف کارگران تمام جنبش های کارگری در سطح ایران میگم چون ما بایستی کارگران ایران ، با هم متحد شویم چون باید حرکت از یه جایی شروع بشود اون جا هم ایران است حالا هفت تپه باشد یا کرمانشاه ، رشت ، تهران ، سنندج ، شیراز یا هر جای ایران که باشد هیچ فرقی نمی کند از شمال ، جنوب ، شرق یا غرب . مرکز و اینور اونور نداره کارگر باید با هم متحد باشد . از یه جایی شروع کند و آن چیزی که تا الان من دیدم و ارتباط داشتم و با دوستان هم کلام شدم خوبه به یه نتیجه خوب و ایده آلی در آینده منظورم یعنی در آینده بسیار نزدیک میرسیم و در آینده دور در سطح کلان اتحادیه کامل و مستقلی باید کارگر از خودش داشته باشد . من تشکر میکنم از شما .

بهزاد سهرابی: خیلی ممنون- متأسفانه وضعیت زندگی انسانها بخصوص طبقه کارگر و کسانی که واقعاً روزانه دارند کار می‌کنند اونقدر اسفناکه که متأسفانه نجاتی هم نتوانست اینو توضیح بده چون احساس میکنه که بازگو کردن این مسئله دوباره آدمو وادار میکنه که به یه حالت تحقیر شده برسد . فقط من اینو می‌خوام توضیح بدم که این حقارت ما نیست این حقارت برمی‌گرده به کسانی که ما رو استثمار می‌کنند و جامعه بشریت رو به حالتی می‌کشند که حتی نتونیم بازگو کننده وضعیت کاملاً اسفناکی که در آن قرار گرفتیم باشیم . واقعاً کار به جایی رسیده که کارگر نه تنها کارگر نیشکر هفت تپه در کل کارگران در ایران و اگر شما نگاه کنید در سطح وسیع جامعه و طبق آمار های رسمی خود دولت ایران 85% مردم ایران دارن با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. واقعاً باید کسای دیگری خجالت بکشند که چرا کارگر امروز باید بره قالی و لباس خودشو بفروشه . پتویی که روی سرش میکشه تا از سرما و گرمادر امان باشه امروز ناچاره اونو بفروشه . کارگری که بعد از 10 و 12 سال یه جارو برقی خریده که تو خونه از اون استفاده کنه ! بله کارگر نیشکر هفت تپه چون 5 ماه 4 ماه حقوقش را نگرفته میره تو بازار و جارو برقی شو می‌فروشه به این نیت که بتونه با این مقدار پول که از فروش این جارو برقی بدست میاره زندگی خودش رو تأمین کنه. به نظر من این خجالت و تحقیر مربوط به صاحبان سرمایه است. برمیگرده به سیستم سرمایه داری که امیدوارم که همونطور که خودت گفتی غیر از طبقه کارگر کسی نمی‌تواند درد مردم مارو بفهمه و طبیعتاً با اتحاد با تشکل و با هماهنگی سراسری کارگران توی ایران بتونیم یه تشکل مناسب که خود ما کارگران اینو ایجاد کنیم تا در راستای تحقق خواسته‌های طبقاتی خودمان قدم برداریم و شاهد این باشیم که با همت خود طبقه کارگر به استثمار و فقر با نیروی خود کارگران خاتمه دهیم . من خیلی شما رو خسته کردم چون هوا هم خیلی گرمه. من سؤال خاصی ندارم و تشکر می‌کنم ازتون که در این مصاحبه شرکت کردی و من خواستار این هستم که کارگران نیشکر هفت تپه که شما به عنوان یکی از نمایندگان این تشکل هستید و واقعاً شایسته این نمایندگی هستید که هر چه بیشتر این سعی بشه که بین کلیه تشکل های کارگری یا فعالین کارگری یه هماهنگی بیشتری ایجاد بشه که بتونیم بیشتر با همدیگر در ارتباط باشیم و این ارتباط می‌تونه سرآغاز یک حرکت خیلی وسیع تو ایران در راستای منافع کارگری و مطالبات کارگری و طبیعتاً تا ما نتونیم با همدیگر تبادل نظر کنیم ، نخواهیم توانست از تجارب همدیگه استفاده کنیم و این تبادل نظر و تجارب می‌تونه ضعفهای مارو خیلی کم رنگ بکنه و نقطه قوتهای مارو بیشتر کنه- من امیدوارم که در کارتون که تا به امروز موفق بودی باز هم موفق تر باشی و جنبش کارگری طبیعتاً نیازمند حضور شایسته شما دوستان هست که تا به امروز کارهای شایسته ای را در راستای منافع خود کارگران نیشکر هفت تپه که این منافع برمیگرده به منافع کلی طبقه کارگر ایران که انجام دادی همینطور به اصطلاح پیگیرانه ادامه بدی و من خیلی خوشحال شدم که این اجازه رو به من دادی که از طرف نشریه جنبش کارگری که نشریه " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" است با شما مصاحبه ای داشته باشم . اگه در پایان بحث هاتون بحث خاصی مونده- بفرمائید اگر نه تا دیداری بعد از خدمت شما مرخص خواهم شد.

علی نجاتی: بحث خاصی ندارم من جداً به عنوان یک کارگر از شما دوست عزیز کارگر و هم سطح ، بسیار تشکر می‌کنم و اینکه من را شایسته قرار دادی ، شرمنده ام . شایسته محمود صالحی است که توانست بیش از یک سال در زندان باشد با این که مشکلات بسیار فراوانی داشت از نظر جسمی بارها اعتصاب غذا کرد . آقای صالحی با این که پشت میله های زندان بود بسیار پیام های ارزنده و قابل تقدیری از خودش به مردم و طبقه کارگرداد شایسته افرادی مثل محمود صالحی هستند و بنده به عنوان یک کارگر به عنوان یک زحمتکش به عنوان یک کسی که واقعا حق و حقوقش ضایع شده در یک جامعه کارگری و به قول خودمان استثمار شده ولی تحقیر نشده هیچ زمانی تحقیر نشده افتخار میکنم که به عنوان یک کارگر از تمام اتحادیه ها و جنبش ها از همین نشریه جنبش کارگری تشکر و قدردانی می‌نمایم.